


A Critical Analysis of the Approach of International Tribunals to Crimes Against Cultural Heritage: Focusing on the Case of Ahmad Al-Mahdi

 ArameshShahbazi

Associate Professor, Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
aaarameshshahbazi@gmail.com

 Katayoun Ashrafi

Ph.D. Candidate in International Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author)
katy_0935@yahoo.com



Abstract

Crimes against cultural heritage, including the deliberate destruction, looting, and trafficking of cultural artifacts and property, target not only the identity and history of nations but also, in certain instances, threaten the shared heritage of humanity. Examples such as the demolition of the Buddhas of Bamiyan in Afghanistan, the destruction of ancient Palmyra in Syria, and the devastation of historical sites in Timbuktu, Mali, demonstrate the scope and depth of these threats. Despite the adoption of international instruments like the 1954 Hague Convention, the existing framework of international criminal law including the Rome Statute of the International Criminal Court (ICC) lacks an independent offense of “crimes against cultural heritage” categorized under Crimes Against Humanity. Consequently, these acts are predominantly prosecuted as “War Crimes.”

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 and
Winter 2026
(Original Article)

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:
10.22034/jclc.2025.2067890.1229

This classification creates a significant gap, as it often precludes prosecution in times of peace, reduces the effectiveness of deterrence, and diminishes the focus on reparative aspects. Adopting an analytical-critical approach, this study examines international documents and judicial practice ranging from the Nuremberg Tribunal and the International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY) to the ICC, with a specific focus on the Ahmad Al-Mahdi case to analyze the objectives of punishment regarding these crimes. The analytical framework combines the traditional approach (retribution and deterrence) with the modern approach (restorative and compensatory). Findings indicate that although restorative elements were incorporated into the sentencing process in certain rulings, notably Al-Mahdi, the prevailing approach remains largely traditional. It is argued that reforming the approach of international tribunals and recognizing “crimes against cultural heritage” as a specific crime under Crimes Against Humanity could facilitate prosecution during both armed conflicts and peacetime. Furthermore, strengthening reparative objectives in sentencing and developing international mechanisms such as establishing an “International Fund for the Reconstruction and Restoration of Cultural Heritage” under ICC supervision could elevate the goals of criminalization from a purely punitive reaction to a comprehensive, preventive, and restorative approach. This research utilizes a descriptive-analytical methodology, relying on library resources for data collection.

Keywords: Cultural Heritage; International Criminal Court (ICC); Genocide; Crimes Against Humanity; Al-Mahdi Case.



تحلیل انتقادی رویکرد محاکم بین‌المللی در مواجهه با جنایت علیه میراث فرهنگی با تمرکز بر پرونده احمد المهدی

دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل و عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،
دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
aaarameshshahbazi@gmail.com

آرامش شهبازی



دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه
علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
katy_0935@yahoo.com

کتابون اشرفی



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و
جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.2067890.1229

چکیده

جنایات علیه میراث فرهنگی، از جمله تخریب عمدی، غارت و قاچاق آثار و اموال فرهنگی، نه تنها هویت و تاریخ ملت‌ها را هدف قرار می‌دهد، بلکه در برخی موارد، میراث متعلق به بشریت را نیز تهدید می‌کند. نمونه‌هایی همچون انفجار مجسمه‌های بودای بامیان در افغانستان، ویرانی آثار باستانی پالمیرا در سوریه و تخریب اماکن تاریخی تیمبوکتو در مالی، نشان‌دهنده گستره و عمق این تهدیدات است. با وجود تصویب اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، چارچوب موجود حقوق بین‌الملل کیفری، از جمله اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هنوز فاقد جرم «جنایت علیه میراث فرهنگی» در ذیل جنایت علیه بشریت است که این اقدامات را در زمان صلح نیز، قابل مجازات قلمداد کند و این اعمال غالباً ذیل جنایاتی چون «جنایت جنگی» قرار می‌گیرند. این خلأ موجب کاهش کارایی بازدارندگی، دشواری پیگیری قضایی، به‌ویژه در زمان صلح، و کم‌رنگ ماندن جنبه‌های ترمیمی شده است.

این پژوهش با رویکردی تحلیلی-انتقادی و بر پایه بررسی اسناد و رویه محاکم بین‌المللی - از دادگاه نورنبرگ و دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق تا دیوان کیفری بین‌المللی و به ویژه پرونده احمد المهدی - به تحلیل اهداف کیفردهی در برخورد با این جنایات می‌پردازد. چارچوب تحلیلی پژوهش، تلفیقی از رویکرد سنتی (سزادهی و بازدارندگی) و رویکرد نوین (ترمیمی و جبرانی) است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگرچه در برخی آراء، به‌ویژه در پرونده المهدی، عناصر ترمیمی وارد فرآیند کیفردهی شده، اما در مجموع، رویکرد غالب همچنان سنتی باقی مانده است. اصلاح رویکرد محاکم بین‌المللی و شناسایی «جنایت علیه میراث فرهنگی» به عنوان جرمی ذیل جنایت علیه بشریت، می‌تواند امکان تعقیب این جرایم را هم در زمان مخاصمات مسلحانه و هم در شرایط صلح، فراهم آورد. افزون بر آن، تقویت اهداف ترمیمی و جبرانی در فرآیند تعیین مجازات و توسعه سازوکارهای بین‌المللی جبران خسارت - از جمله ایجاد «صندوق بین‌المللی بازسازی و ترمیم میراث فرهنگی» تحت نظارت دیوان کیفری بین‌المللی - می‌تواند اهداف جرم‌انگاری را از قالب محدود واکنش کیفری صرف، به یک رویکرد جامع، پیشگیرانه و ترمیمی ارتقاء دهد و جایگاه میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت و تاریخ مشترک بشریت تثبیت کند. روش مورد استفاده در این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و شیوه گردآوری مطالب، مطالعات کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: میراث فرهنگی. دیوان کیفری بین‌المللی. نسل‌زدایی. جنایت علیه بشریت. پرونده المهدی.

مقدمه

گفتار اول) سیاست کیفری در خصوص عدم رعایت حجاب شرعی

در این گفتار بناهای تاریخی و فرهنگی از مهمترین عناصر میراث تاریخی و فرهنگی جامعه هستند. آنها همچنین ممکن است به عنوان کارت شناسایی ملتها و بشریت در نظر گرفته شوند (حسینی و رضوی فرد، ۱۴۰۳:۷۰). در سال‌های اخیر، تخریب عمدی میراث فرهنگی به یکی از تکان‌دهنده‌ترین جلوه‌های خشونت در سطح بین‌المللی بدل شده است. نمونه‌هایی چون انفجار مجسمه‌های بودای بامیان در افغانستان توسط طالبان در سال ۲۰۰۱، ویرانی آثار باستانی پالمیرا به دست داعش در سوریه، و تخریب اماکن تاریخی تیمبوکتو توسط گروه انصارالدین در مالی، نه تنها جوامع محلی، بلکه وجدان بشریت را عمیقاً جریحه‌دار کرده است. این رویدادها نشان می‌دهند که میراث فرهنگی - به عنوان بخشی از هویت و حافظه جمعی بشر - همواره در معرض تهدیدات جدی قرار دارد و از بین رفتن آن‌ها پیامدهای جبران‌ناپذیری برای تمامی بشریت به همراه خواهد داشت (Al-Ansiat et al., 2021: 1-3). جنایات علیه میراث فرهنگی، که شامل تخریب، غارت و قاچاق آثار و اموال فرهنگی است، افزون بر نابودی آثار مادی و معنوی، به تنوع فرهنگی، همبستگی اجتماعی و صلح و امنیت بین‌المللی آسیب می‌زند (Hausler, 2018: 12-15).

در واکنش به این تهدیدات، جامعه بین‌المللی طی دهه‌های اخیر تلاش‌هایی جهت جرم‌انگاری و مجازات این اقدامات انجام داده است. اسناد بین‌المللی همچون کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، و نیز رویه قضایی دادگاه نورنبرگ، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دیوان کیفری بین‌المللی، گواهی بر این اراده جهانی‌اند. با این حال، علی‌رغم این پیشرفت‌ها، چارچوب موجود حقوق بین‌الملل کیفری همچنان تخریب میراث فرهنگی را ذیل عنوان «جنایت علیه بشریت» شناسایی نکرده و آن را غالباً ذیل «جنایت جنگی» قرار می‌دهد؛ امری که موجب ایجاد خلأ در حمایت کیفری و کاهش کارایی بازدارندگی این نظام، به‌ویژه در زمان صلح شده است.

تلاش‌های اولیه جهت جرم‌انگاری چنین اعمالی به دوران پس از جنگ جهانی دوم و دادگاه نورنبرگ بازمی‌گردد؛ جایی که غارت و تخریب اموال فرهنگی به‌عنوان جنایت جنگی و نیز جنایت علیه بشریت شناسایی شد (Art 6: Nuremberg Charter, 1945). اما این شناسایی به‌عنوان جنایت علیه بشریت، در چارچوب خاص دادگاهی موقت و شرایط استثنایی آن دوران انجام گرفت و در اسناد الزام‌آور و حقوق بین‌الملل کیفری معاصر، مانند اساس‌نامه رم، استمرار نیافته است. در ادامه، کنوانسیون ۱۹۴۸ لاهه به‌طور خاص به حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه می‌پرداخت و گامی مهم در توسعه حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌شمار آمد. در دوران معاصر نیز، دیوان کیفری بین‌المللی با صدور رأی در پرونده المهدی، نقشی مهم در ارتقای حمایت کیفری از میراث فرهنگی ایفا کرده است.

در پژوهش حاضر، ابتدا مفهوم میراث فرهنگی و انواع آن معرفی می‌شود. سپس رویکردهای موجود نسبت به اهداف مجازات در جرائم بین‌المللی، با تمرکز بر جرائم علیه میراث فرهنگی، بررسی می‌گردد. در ادامه، جایگاه حقوقی این اعمال در قالب جرائم بین‌المللی تحلیل و در نهایت، با بررسی رویه محاکم بین‌المللی، به ویژه دیوان کیفری بین‌المللی، کارایی و نتیجه‌بخشی رویکردهای اتخاذشده ارزیابی خواهد شد.

همچنین لازم به اشاره است نوآوری این پژوهش در آن است که فراتر از مرور صرف اسناد و رویه‌ها، با ارائه یک چارچوب تحلیلی «سنتی-نوین» به تحلیل انتقادی اهداف کیفردهی محاکم بین‌المللی پرداخته و ضمن شناسایی کاستی‌های موجود، پیشنهاد می‌کند که «جنایت علیه میراث فرهنگی» به‌عنوان جرمی مستقل، فارغ از عناوینی مانند اذیت و آزار^۱ و سایر اعمال ضد بشری^۲، ذیل جنایت علیه بشریت مطرح شود^۳. این رویکرد نه تنها

¹ Persecution against any identifiable group or collectivity on political, racial, national, ethnic, cultural, religious, gender as defined in paragraph 3, or other grounds that are universally recognized as impermissible under international law, in connection with any act referred to in this paragraph or any crime within the jurisdiction of the Court

² Other inhumane acts of a similar character intentionally causing great suffering, or serious injury to body or to mental or physical health

^۳ لازم به اشاره است برخی حقوق دانان، فارغ از بررسی اهداف مجازات، به تلقی جرائم علیه میراث فرهنگی به‌عنوان جنایت علیه بشریت اشاره کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به: Thake, A. M. (2018, April 15). The

می‌تواند خلأ موجود در شناسایی و پیگیری این جنایات را برطرف سازد، بلکه ظرفیت آن را دارد که مکانیسم‌های جبرانی و ترمیمی را در حقوق بین‌الملل کیفری تقویت کند. امید است که این پژوهش بتواند گامی در جهت حفظ میراث فرهنگی و مقابله با جنایات علیه آن باشد.

۱. مفهوم میراث فرهنگی در چهارچوب حقوق بین‌الملل

میراث فرهنگی، مفهومی آشنا برای عموم مردم است. افراد بر اساس دانش و درک خود، تصورات گوناگونی از آن در ذهن دارند. سابقه دیرینه این مفهوم در جوامع بشری و تبلیغات رسانه‌های گروهی، نقش بسزایی در شکل‌گیری این تصور عمومی داشته است. علی‌رغم این موضوع، تبیین حقوقی این اصطلاح با چالش‌هایی مواجه است. اختلافات پیرامون عناصر کلیدی و تمایز آن با مفاهیم مشابه، ناشی از ورود ناگهانی این اصطلاح از سایر حوزه‌های علمی به عرصه حقوق بین‌الملل، بدون در نظر گرفتن تحولات نظری پیشین است (Blake, 2000: 66). بررسی اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که در اغلب موارد، تعریفی صریح از اصطلاح میراث فرهنگی ارائه نشده و صرفاً به ذکر مصادیق و گونه‌شناسی اکتفا شده است. در موارد معدودی نیز که تعاریفی ارائه گردیده، این تعاریف محدود به همان سند بوده و قابلیت تعمیم ندارند (Vadi, 2023: 29). چالش دیگر در تعریف میراث فرهنگی، کثرت واژگانی است که در این راستا به کار می‌رود. امروزه در آثار و نوشته‌های حقوق دانان، برای اشاره به میراث فرهنگی از اموال فرهنگی^۱، آثار تاریخی^۲، اشیای فرهنگی^۳ و غیره استفاده می‌شود، بدون آنکه دامنه و محدوده حقوقی هر یک از آن‌ها تعریف شده باشد. تاکنون بیش از ۲۷ سند و معاهده بین‌المللی در این زمینه تدوین شده‌اند (Yahya, 2006: 293) و تنوع بالای آن‌ها که مستمرا در حال افزایش است، سبب پیچیدگی این وضع شده است. این تنوع واژگان صرفاً از لحاظ لغوی و ادبی تغییر ایجاد نکرده، بلکه ممکن است اثر

intentional destruction of cultural heritage as a genocidal act and a crime against humanity. European Society of International Law (ESIL) 2017 Annual Conference (Naples). SSRN.

<https://doi.org/10.2139/ssrn.3163108>

¹Cultural property.

² monuments

³ cultural objects

حقوقی و ملموس نیز داشته باشد. از آنجا که دو اصطلاح «اموال فرهنگی» و «میراث فرهنگی» بیش از دیگر اصطلاحات به کار می‌روند، بررسی تمایز آن‌ها ضروری است. اصطلاح «اموال فرهنگی» نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در صورت وقوع مخاصمه مسلحانه به کار رفته است. این کنوانسیون، مصوبه‌ای در واکنش به وقایع جنگ جهانی دوم و آسیب‌پذیری شهرها و آثار تاریخی در برابر حملات هوایی بود؛ از این رو، یونسکو کنفرانسی را در آوریل ۱۹۵۴ در لاهه برگزار کرد. دولت‌های حاضر، با درک اهمیت حفظ میراث فرهنگی به عنوان دارایی مشترک بشر و ضرورت حمایت حقوقی از آن، این کنوانسیون را تصویب نمودند (Merryman, 1986: 832). در بندهای ۱ و ۲ مقدمه این کنوانسیون اشاره شده است که تمام اموال فرهنگی در فرهنگ جهانی سهیم بوده و آسیب به اموال فرهنگی هر قوم، به منزله لطمه به اموال کل بشریت است (Hague Convention For The Protection Of Cultural Property In The Event Of Armed Conflict, 1954:1).

نکته‌ای که در مفهوم اموال فرهنگی قابل توجه می‌نماید، مفهوم حقوقی «مالکیت»^۱ آن‌هاست و این در حالی است که آنچه امروزه به عنوان میراث فرهنگی شناخته می‌شود، شواهد و دستاوردهای فکری و معنوی است که از سبک زندگی گذشته بشر باقی مانده و حقوق میراث فرهنگی به دنبال حمایت و حفظ آن است (Protts and O'Keefe, 1992: 307). لذا واژه اموال فرهنگی، مفهوم وراثت و واگذاری عناصر مدنظر، مانند بناها، آداب و رسوم و ... در میان نسل‌ها را پوشش نمی‌دهد (Barre re, 2016:89). همچنین اصطلاح مال بر با ارزش بودن آن در بازار و قابلیت مبادله و ارزش مالی آن بنا شده است که این امر، با نظارت بر دولت و محدودیت وارده بر نقل و انتقال اموال فرهنگی-تاریخی، هماهنگی ندارد (blake, 2000: 66). در عین حال، مهم‌ترین و رایج‌ترین ایراد نسبت به اصلاح «اموال فرهنگی» آن است که این مفهوم جامع نبوده و تمام مصادیق مورد نظر در این حوزه را، از جمله میراث فرهنگی ناملموس^۲، در بر نمی‌گیرد. طیف گسترده‌ای از مصادیق، مانند داستان‌ها، آداب

¹ ownership

² intangible cultural heritage

و رسوم^۱ و .. در قلمرو میراث غیرمادی قرار دارند و اصطلاح اموال برای اشاره به آن‌ها نامناسب تلقی می‌شود (Xanthaki, 2017: 4).

به منظور رفع ابهامات مذکور، نخستین اقدامات جهت فاصله گرفتن از رویکرد مالیت داشتن میراث فرهنگی، در کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان مصوب ۱۹۷۲، به عنوان جامع‌ترین پیمان یونسکو در حفاظت از میراث فرهنگی، نمایان است. این کنوانسیون به پیشنهاد کنفرانس عمومی یونسکو در هفدهمین اجلاس^۲ خود، تدوین شد. طبق بندهای ۲ الی ۸ مقدمه کنوانسیون مذکور، با توجه به اینکه ویرانی یا انهدام هر قسمت از میراث فرهنگی و طبیعی، موجب فقر شدید میراث همه ملل جهان می‌گردد و با علم به اینکه برخی از اموال فرهنگی دارای مزایای استثنایی هستند که باید به عنوان میراث جهانی بشریت^۳ حفظ گردد، کنفرانس عمومی یونسکو، در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۷۲ کنوانسیون راجع به حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی جهان را تصویب کرد. (UNESCO Convention Concerning The Protection Of The World Cultural And Natural Heritage, 1972: 1-2)

ماده ۱ معاهده مذکور، میراث فرهنگی را به سه گروه آثار، مجموعه‌ها و محوطه‌ها تقسیم می‌نماید.^۳ لازم به اشاره است که این کنوانسیون نیز تعریف جامعی از میراث فرهنگی ارائه نداده و به ذکر مصادیق اکتفا کرده است. با این حال، این کنوانسیون، عنصر اصلی میراث فرهنگی جهانی را در ارزش جهانی استثنایی^۴ (ویژه) آن معرفی نموده که این امر، اهمیت

¹ customs

² world heritage of mankind

^۳ ماده ۱ - به لحاظ کنوانسیون حاضر، آنچه ذیلاً ذکر می‌گردد به عنوان "میراث فرهنگی" تلقی می‌شود:

-آثار: آثار معماری، مجسمه‌سازی یا نقاشی در بناها، عوامل و بناهایی که جنبه باستانی دارند، کتیبه‌ها، غارها و مجموع عواملی که از نظر تاریخی، هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند.

-مجموعه‌ها: مجموعه بناهای مجزا یا مجتمع که از نظر معماری، منحصر به فرد بودن، یا بستگی و موقع آنها در یک نظر منظره طبیعی، به لحاظ تاریخی هنری و علمی دارای ارزش جهانی استثنایی هستند.

-محوطه‌ها: آثار انسان یا آثاری که توأمأً به وسیله انسان و طبیعت ایجاد شده است و نیز مناطق شامل محوطه‌های باستانی که به لحاظ تاریخی، زیبایی‌شناسی، نژادشناسی یا مردم‌شناسی ایران دارای ارزش جهانی استثنایی هستند.

⁴ universal value

جرم‌انگاری جنایت علیه میراث فرهنگی در عرصه بین‌المللی را، مضاعف می‌کند. هر چند این کنوانسیون معنای ارزش جهانی استثنایی را نیز بیان نکرده، اما می‌توان این گونه تفسیر نمود که این ویژگی، به معنی اهمیت فرهنگی برجسته‌ای است که از مرزهای ملی فراتر رفته و برای نسل حاضر و آینده بشریت، یکسان است و حفاظت از چنین آثاری برای جامعه جهانی، دارای اهمیت است. در عین حال، برای بررسی بهتر این مفهوم، باید به نظرات کمیته میراث جهانی، به عنوان مسئول اجرای کنوانسیون، مراجعه کرد (Francioni, 2024: 82).^۱ استثنایی این آثار معرفی می‌کند و برای مثال، آثاری را واجد این ویژگی می‌داند که نشانه شاهکار نبوغ خلاقانه بشر^۱ بوده و منعکس‌کننده تبادل ارزش‌های بشری در یک دوره زمانی خاص یا منطقه فرهنگی جهانی باشد که به توسعه معماری یا فنی، آثار بزرگ هنری، شهرسازی یا طراحی چشم‌اندازها منجر شده و ... (غنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۵)، (Anglin, 2008: 250).^۲

نویسندگانی که طرفدار اصطلاح «میراث فرهنگی» هستند، این اصطلاح را نه تنها دربرگیرنده حقوق مالکیت قلمداد می‌کنند، بلکه آن را شامل تعهد به حفاظت و حراست از آن نیز می‌دانند (رضوی راد، ۱۳۹۶: ۱۴-۱۵). علاوه بر این، میراث فرهنگی به عنوان بخشی از منابع تجدیدنپذیر مانند محیط زیست و یا حتی منابع معدنی به نسل‌های آتی نیز متعلق است و این عبارت، انتقال به نسل‌های بعدی را نیز بهتر منعکس می‌کند. در مجموع چنین به نظر می‌رسد اصطلاح، «میراث فرهنگی» مفهوم تعهد به محافظت از آنچه از گذشتگان به ارث رسیده است را متبادر می‌نماید و انتخاب مناسب‌تری تلقی می‌گردد (سعیدی، ۱۳۹۵: ۲۴-۲۵).

۱-۱ انواع میراث فرهنگی

با توجه به تقسیم‌بندی‌های باستان‌شناسان، میراث فرهنگی عموماً به سه دسته میراث فرهنگی ملموس یا مادی، میراث فرهنگی ناملموس یا معنوی و میراث فرهنگی طبیعی قابل تفکیک است. میراث فرهنگی ملموس، "به مجموعه مظاهر مادی گفته می‌شود که

^۱ masterpiece of human creative genius

^۲ همچنین برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به unesco operational guidelines for the implementation of the

world heritage convention, 24 september 2024, p.29. Para.77.

خارج از وجود انسان تحقق مادی و فیزیکی دارد و بر ارزش‌های تاریخی و هنری بر آثار و مظاهر مادی مترتب است، مانند شهرها، بناها، اشیاء و... (Laiglesia,2020:46-47). به طور کلی میراث فرهنگی ملموس، شامل مواردی است که از نظر فیزیکی، قابل لمس است. در خصوص تعریف میراث فرهنگی ناملموس، دو دیدگاه متفاوت در میان صاحب‌نظران این حوزه وجود دارد: دیدگاه نخست، میراث ناملموس را میراثی می‌داند که با میراث ملموس پیوستگی دارد و بدون آن، قابل تصور نیست. بنابراین میراث ناملموس را مشتمل بر مهارت‌ها^۱، فرآیندها^۲ و باورهای^۳ می‌داند که منجر به پیدایش آثار ملموس می‌شوند. اما در دیدگاه دوم، این میراث به عنوان میراثی مستقل از میراث مادی، تجلیاتی مانند قصه‌ها، آوازه‌ها و دیگر اشکال را در برمی‌گیرد که معمولاً نمی‌توان آن‌ها را در قالب‌های مادی و ملموس تثبیت کرد (Lixinski,2013:1314). کنوانسیون ۲۰۰۳ ضمن توجه به آن دسته از ابرازات میراث ناملموس که وجود و ماهیتی مستقل از میراث مادی دارند، در بند ۲ ماده ۲، قسمتی از عناصر ملموس را به تجلیات و ابرازاتی که منجر به ایجاد آن عنصر ملموس می‌شود، مرتبط ساخته است و از این عناصر، به دلیل اینکه محصول آیین فرهنگی گسترده‌تر هستند، حمایت می‌کند (The Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage, 2003: Art. 2). در رابطه با تعریف میراث طبیعی، این میراث در بُعد طبیعی حاصل تأثیر عوامل طبیعی بر یکدیگر و مداخلات عوامل انسانی بر آن‌هاست که مناظر متنوعی را به وجود آورده است. این پدیده‌های طبیعی فقط متعلق به یک کشور نیست بلکه متعلق به کره خاکی است و در صورتی که به محیط زیست لطمه‌ای وارد شود، بازتاب‌های این آسیب را تمامی انسان‌ها احساس خواهند کرد (حیدری: ۱۴۰۰: ۴۳-۴۱). در پژوهش حاضر، منظور از میراث فرهنگی، هر سه نوع آن است؛ چراکه جرم‌انگاری جنایت علیه میراث فرهنگی، لزوماً منحصر به برداشت و مصادیق خاصی از آن نمی‌شود. با توجه مفهوم ارائه شده از میراث فرهنگی و اهمیت آن برای بشریت، در بخش بعدی به بررسی چارچوب حقوق کیفری بین‌المللی موجود در زمینه تخریب میراث فرهنگی پرداخته خواهد شد.

۲. اهداف جرم‌انگاری جنایت علیه میراث فرهنگی

اهداف مجازات مرتکبان جنایت علیه میراث فرهنگی را می‌توان ذیل دو رویکرد سنتی و نوین بررسی کرد (Hermann,2017:103). به طور خاص در محکمه‌ای مانند دیوان کیفری

¹ skills

² processes

³ Beliefs

بین‌المللی، علی‌رغم عدم تصریح اساس‌نامه و سایر مقررات دیوان در رابطه با اهداف کیفرهای قابل اعمال بر مرتکبان این جنایات، ارکان مختلف تلاش دارند که از ابتدای فرآیند دادرسی تا صدور حکم، با تفسیری منطبق بر ماهیت و فلسفه مجازات و بهره‌گیری از رویه‌های سایر محاکم بین‌المللی، اهداف مجازات را شناسایی و بر مبنای آن، مجازاتی مناسب در نظرگیرند که علاوه بر تامین اهداف مدنظر، شدت جنایت و میزان مجرمیت را منعکس نماید (Randelović et al, 2023: 72).

شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان، با استفاده از تفسیر و تبیین مقررات مقدمه اساس‌نامه رم و اراده جدی اعضای دیوان برای پایان دادن به بی‌کیفرمانی مرتکبان جنایات بین‌المللی و مشارکت در اتخاذ تدابیر پیش‌گیرانه، سزادهی و بازدارندگی را از جمله اهداف اصلی و اساسی کیفرهای مقرر در اساس‌نامه می‌دانند که اهدافی ذیل رویکرد سنتی تلقی می‌شوند.^۱ در این راستا، سزادهی منعکس‌کننده موضع جامعه بین‌المللی است که چنین جرایمی، مجازات شده و بی‌کیفری رواج نخواهد داشت. همچنین بازدارندگی - اعم از خاص و عام - به عنوان یک هدف مهم مجازات، به این مورد اشاره دارد که مجازات تعیین‌شده، باید به اندازه کافی، مانع از تکرار جرم شود (بازدارندگی خاص) و اطمینان دهد که دیگر مرتکبین بالقوه (بازدارندگی عام)، از ارتکاب جرایم مشابه، بازداشته می‌شوند (غنی و فروغی، ۱۴۰۱: ۲۶۷).^۲ به طور مثال، در پرونده المهدی، دفتر دادستانی در اظهارات خود راجع به تعیین مجازات، با اشاره به رویه قضایی دیوان، بر سزادهی و بازدارندگی کیفر تاکید کرد ((ICC, 2016: Para11). شعبه بدوی نیز این رویکرد را تایید کرده و سزادهی را اعلام محکومیت جهانی این جنایت اعلام می‌کند که به وسیله تعیین مجازات مناسب، خسارت صدمات وارد شده بر بزه‌دیدگان پرداخته و احیای صلح و سازش را ترویج

^۱ برای مطالعه بیشتر در رابطه با بی‌کیفرمانی مراجعه کنید به: داووری گرمارودی، هما، حیدرپور، حمیدرضا و مهرآرا، ژیللا. (۱۴۰۳). کارکرد اصل مراقبت مقتضی در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی سران رژیم اسرائیل در حقوق بین‌الملل کیفری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۱ (۱): ۱۳۷-۱۶۶.

^۲ برای مثال، مراجعه کنید به ICC, Situation in the Central African Republic in the Case of the Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo, ICC-01/05-01/08, Decision on Sentence pursuant to Article 76 of the Statute, 21 June 2016, para. 10.

می‌نماید (ICC,2016: Para67). در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا نیز سزادهی و بازدارندگی، دو هدف اصلی مجازات تلقی شدند (زمانی و صادقی، ۱۳۹۹: ۸۱). برای مثال، دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، در پرونده "رادوان کارادزیچ" اعلام نمود که هدف اصلی مجازات جرائم مربوطه، سزادهی و بازدارندگی است. (ICTY,2016: Para6025-6026)

اصلاح و بازپروری هدف دیگر مجازات است که در مورد امکان اعمال آن نسب به مرتکبان جنایات بین‌المللی، اختلاف نظر وجود دارد (غنی و فروغی، پیشین: ۲۶۷). به اعتقاد برخی، به علت ماهیت و وسعت این جرائم، غیرقابل اصلاح بودن مرتکبین امری واضح بوده و این هدف، در مورد آنان قابلیت اعمال ندارد (جعفری، ۱۳۹۲: ۹۱). در مقابل این رویکرد، دفتر دادستانی دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده المهدی، بازپروری را به عنوان یکی از اهداف شناخته شده مجازات به رسمیت شناخته و در عین حال، اشاره داشته است که در جنایات بسیار شدید، نباید اهمیت بی مورد و بیش از حد به این هدف داد: ICC,2016: (Para13). این رویکرد توسط شعبه رسیدگی کننده در پرونده المهدی نیز مورد تایید قرار گرفت (ICC,2016: Para10).

محاکمه مرتکبان جنایات علیه میراث فرهنگی با هدف مبارزه با تعدی به ارزش‌های مشترک جامعه بشری انجام می‌پذیرد؛ چراکه تعدی به این ارزش‌ها، تحمل‌ناپذیر است. (Vrdoljak,2016:259) در این راستا، اهداف کیفر در رویکرد نوین، شامل کارکرد ترمیمی و جبرانی کیفر و همچنین کارکرد بیانی و پیام محور بودن کیفر است. به طور مثال، در رابطه با مجازات جرائم علیه میراث فرهنگی، جنبه ترمیمی مجازات به وسیله مرمت، احیا و بازسازی اماکن آسیب‌دیده و جبران آلام روحی و روانی بزه‌دیدگانی که دارای پیوند با این اماکن و اموال هستند، بیش از اهداف دیگر، اهمیت دارد (Moffett et al,2020:3-5). البته باید به این امر توجه داشت که هرچند امکان احیای بناهایی که به طور کامل تخریب شده‌اند، به شکل اول وجود ندارد، اما اقدامات مراقبتی و جلوگیری از تکرار مجدد این عمل و جبران خسارات و آلام روحی ایجاد شده از طریق مجازات تعیین شده، در کنار سایر اهداف ترمیمی، امری اجتناب‌ناپذیر است. لذا حفاظت از میراث فرهنگی ایجاب می‌نماید

که به جنبه ترمیمی مجازات توجه شده و پرداخت خسارت و هزینه‌های مرمت، در مجازات تعیین شده لحاظ شوند. در پرونده المهدی نیز، شعبه هشتم دیوان، در کنار موارد اشاره شده که تابع رویکرد سنتی است، اهداف دادرسی را جبران خسارت مادی و معنوی، تسکین آلام ایجاد شده، ایجاد امکان برای اعاده کرامت بزه‌دیدگان و مساعدت در پیشبرد صلح و آشتی اعلام کرده است (ICC, 2017: Para28). در راستای تحقق این هدف، قضات دیوان در این پرونده، علاوه بر مجازات حبس، المهدی را مسئول جبران خسارت وارده بر اماکن تحت حمایت دانسته و دستور به اعاده وضع به حال سابق دادند. همچنین با توجه به اینکه جرائم ارتكابی توسط المهدی و افراد تحت نظر او، تعداد بسیاری از افراد را متضرر کرده است، وی موظف به جبران خسارت مادی برای بزه‌دیدگان مستقیم (۲۷ هزار یورو) و جبران خسارت غیر مادی و نمادین (۱ یورو) برای بزه‌دیدگان مستقیم قلمداد شد که در مبحث انتهای پژوهش بیشتر به این بحث پرداخته خواهد شد (ICC, 2017: Para107 and 135).

با توجه به آنچه گفته شد، ذیلاً به تحلیل مفهوم جنایت علیه میراث فرهنگی و به تبع آن، امکان‌سنجی جرم‌انگاری جنایت علیه میراث فرهنگی در قواعد بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

۳. مفهوم جنایت علیه میراث فرهنگی

جنایت علیه میراث فرهنگی قابلیت تحقق در قالب سه جرم بین‌المللی نسل‌زدایی، جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی را دارد که در این قسمت، ذیل عناوین جداگانه به تعریف و تبیین هر کدام پرداخته خواهد شد.

۱-۳ جنایت علیه میراث فرهنگی به عنوان نسل‌زدایی^۱

نسل‌زدایی، جنایتی است که مستلزم انکار حق موجودیت گروه‌های بشری بوده و مغایر با روح حاکم بر ملل متحد است (خالقی و برزگر، ۱۳۹۹: ۱۸). به زعم برخی، اقدامات فیزیکی و بیولوژیکی تنها راه نابودی یک گروه قومی، ملی، مذهبی و نژادی نیست، بلکه فعالیت در راستای نابودی فرهنگی یک گروه را می‌توان نسل‌زدایی فرهنگی قلمداد نمود؛ چراکه که

^۱ Genocide

یک گروه ممکن است بدون اینکه اعضای آن کشته شوند، محو گردند.^۱ نسل‌زدایی فرهنگی، برنامه‌های هماهنگ متشکل از اقداماتی است که با هدف از بین بردن پایه‌های اساسی زندگی و از دست دادن معنای وجودی فرهنگ گروه‌ها انجام شده و از طریق ناپدید کردن میراث فرهنگی ملموس، از جمله کتاب‌ها، اشیاء هنری، یادگارهای مذهبی، مکان‌های فرهنگی و غیرملموس، مانند نهادهای سیاسی و اجتماعی، زبان، هنر، ادبیات، فرهنگ، سنت‌های معنوی، احساسات ملی، مذهب و به طور کلی، هویت فرهنگی، قابل تحقق است (بیگی و تیموری، ۱۴۰۰: ۱۵۲-۱۵۳).

در عین حال، تخریب فرهنگی مستقیماً تحت پوشش کنوانسیون نسل‌زدایی قرار نگرفته و به خودی خود به عنوان یک جنایت تلقی نمی‌شود (Nersessian, 2018: 11).

۲-۳ جنایت علیه میراث فرهنگی به عنوان جنایت علیه بشریت^۲

در اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت علیه بشریت، شامل اعمال غیرانسانی از قبیل قتل^۳، نابودسازی^۴ و آزار و اذیت مداوم^۵ است که در چارچوب حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی انجام می‌پذیرد (Rome Statute of the (International Criminal Court, 2002: Art. 7). لذا اگر تخریب و آسیب به میراث فرهنگی، در چارچوب حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته باشد، امکان تحقق از طریق مصادیق جنایت علیه بشریت وجود دارد (RYŠKA, 2020: 225-233). به طور مثال این تخریب ممکن است آزار و اذیت مداوم یک گروه یا مجموعه مشخص، به دلایل مذهبی، فرهنگی و ... محسوب شده و جنایت علیه بشریت تلقی گردد (عسکری و مسعودی کوشک، ۱۳۹۷: ۱۷۰-۱۶۹).

از مواردی که در راستای بررسی این جنایت در زمینه‌های فرهنگی قابل طرح است، تخریب تندیس‌های بودا در بامیان افغانستان بود. هنگامی که طالبان کنترل بیشتر

^۱ برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به شریعت باقری، محمدجواد (۱۴۰۲). حقوق کیفری بین‌المللی. تهران: گنج دانش. ص: ۲۰۵-۲۵۵.

^۲ crime against humanity

^۳ murder

^۴ extermination

^۵ persecution

بخش‌های افغانستان را در دست گرفت، ملا عمر، رهبر طالبان، خواستار حذف تمامی نشانه‌های میراث فرهنگی غیراسلامی شد (Francioni and Lenzerini, 2003: 626-627). صدور فرمان دیوان عالی افغانستان مبنی بر تخریب مجسمه‌های بودا، به این سیاست قوت بخشید. طالبان تأکید کرد که این دستور، به عنوان امری ضروری جهت جلوگیری از بت‌پرستی، واجب بوده و موضوعی، داخلی است. در عین حال، بیش از یکصد دولت اعتراض خود را به این قضیه و تهدید به تحریم روابط دیپلماتیک، اعلام کردند. مجمع عمومی سازمان ملل بلافاصله قطعنامه‌ای را با حمایت بیش از نود نماینده تصویب کرد و از طالبان خواست تا برای جلوگیری از تخریب بیشتر یادگارها، آثار تاریخی یا آثار هنری غیرقابل جایگزین در افغانستان، اقدام کند (General Assembly RES, 2001: 3).

همچنین یونسکو (General Assembly RES, 2001: 1-3) و برخی از سازمان‌های بین‌المللی دیگر، این تخریب را به عنوان نقض حقوق بین‌الملل محکوم کردند. کشورهای مسلمان (از جمله ایران) نیز از سوی جامعه جهانی به میانجی‌گری پرداختند.

به رغم فشارهای بین‌المللی، طالبان به هشدارها توجهی ننمود (Francioni and Lenzerini, 2003: 633) و مجسمه‌های بودا را با دینامیت منهدم کرد. دولت طالبان، علاوه بر مجسمه‌های معروف موجود صخره‌های مذکور، صندوق‌های پر از آثار هنری و مجسمه‌های باستانی بودایی و قندهاری موجود در موزه ملی کابل را نیز به شکلی سازمان‌یافته نابود کرد. چند ماه پس از انهدام تندیس‌های بودا در مارس ۲۰۰۱، مجمع عمومی دولت‌های عضو کنوانسیون میراث جهانی، در مقدمه قطعنامه‌ای راجع به حمایت از میراث فرهنگی در افغانستان، تخریب تندیس‌های بودا توسط نیروهای طالبان را به عنوان جنایت علیه میراث مشترک بشریت محکوم نمود (غنی و همکاران، پیشین: ۱۹۹). این امر نشان از ناتوانی جامعه بین‌المللی در جلوگیری از جنایاتی این چنینی است که لزوم توسل به مراجع قضایی و توسل به راهکارهای حقوقی را مضاعف می‌کند.

۳-۳ جنایت علیه میراث فرهنگی به عنوان جنایت جنگی^۱

حقوق بین‌الملل بشردوستانه، ارتکاب اعمالی مانند هدف قرار بناها و اماکن تاریخی، تخریب و انهدام گسترده آن‌ها، استفاده از محوطه‌های باستانی برای اهداف نظامی و... را

¹ war crime

جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی محسوب کرده است (Gerstenblith, 2016: 340-345). براساس حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی، طرف‌های مخاصمه (اعم بین‌المللی یا غیر بین‌المللی) باید اموال فرهنگی را محترم شمرده و در عملیات نظامی به منظور جلوگیری از ورود صدمه به بناهای تاریخی دقت ویژه به عمل آورند و از هدف قرار دادن اموالی که از نظر میراث فرهنگی هر ملت حائز اهمیت فراوان است، خودداری کنند (غنی و فروغی، ۱۳۹۴: ۳۸-۳۴۰). این حمایت‌ها در زمان اشغال نظامی نیز کاربرد دارد (لسانی، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

لازم به ذکر است بسیاری از حمایت‌های حقوقی ابتدایی از میراث فرهنگی، در قالب معاهدات بین‌المللی و در چارچوب مخاصمات مسلحانه شکل می‌گرفت. حقوق بین‌الملل کلاسیک محدودیت‌های چندانی در مقابل آزادی دولت‌ها در تخریب یا غارت اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه ایجاد نکرده بود. تخریب کلیسای جامع و کتابخانه استراسبورگ در طول جنگ فرانسه و پروس ۱۸۷۰-۱۸۷۱ و اعتراض عمومی متعاقب آن، منجر به برگزاری یک کنفرانس بین‌المللی در اواسط سال ۱۸۷۴ شد که قوانین و رسوم جنگ را تصویب کرد. این اعلامیه هرگز لازم‌الاجرا نشد، اما حاوی عناصر اصلی حفاظت از اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه است که امروزه در حال اجراست. (Vrdoljak, 2016: 2)

در این راستا، انعقاد کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و پروتکل اول آن، نقطه عطفی محسوب می‌شود. هدف از انعقاد این معاهده، ایجاد چارچوبی بود که به شکلی مؤثر و جامع، حمایت از اموال فرهنگی را در جریان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی تضمین کند. طبق این کنوانسیون، اموال فرهنگی نه به خاطر ارزش و اعتبار مادی خود، بلکه به عنوان بخشی از منابع بشریت باید مورد حمایت قرار گیرند و حفظ آن‌ها نوعی مشارکت در حفظ تمدن جهانی است.^۱

برای حمایت بیشتر از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، وجود ضمانت اجرای قوی ضرورت داشت که پروتکل دوم منضم به این کنوانسیون در ۱۹۹۹ با طرح مسئولیت کیفری فردی و درخواست از دولت‌ها برای پیش‌بینی آن، چنین ضمانت اجرایی را به وجود آورد.^۲

^۱ (Hague Convention For The Protection Of Cultural Property In The Event Of Armed Conflict, 1954: 1-2)

^۲ (Second Protocol to the Hague Convention of 1954 for the Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 1999: Art. 15)

اسناد دیگری نیز وجود دارد که در راستای حمایت از میراث فرهنگی، به طرح مسئولیت کیفری فردی می‌پردازند و به طور مثال، می‌توان به ماده ۳ اساس‌نامه دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق اشاره کرد.

لازم به ذکر است کنوانسیون چهارم ژنو به تنهایی تأثیر چندانی بر تقویت نظام حمایت از اموال فرهنگی در جریان مخاصمات مسلحانه نداشته و صرفاً در ماده ۵۳ تخریب اموال شخصی را (اعم از مالکیت خصوصی یا دولتی) ممنوع می‌کند.^۱

با این حال، پروتکل اول ۱۹۷۷ الحاقی به این کنوانسیون‌ها، که مقرراتی در راستای حمایت از قربانیان هنگام بروز مخاصمات مسلحانه بین‌المللی تدوین می‌کند، در ماده ۵۳ خود، عملیات خصمانه علیه بناهای تاریخی، آثار هنری و عبادتگاه‌ها را، که بخشی از میراث فرهنگی و مذهبی مردم محسوب می‌شوند، ممنوع کرده است. با توجه به امکان تحقق جنایت علیه میراث فرهنگی در قالب سه عنوان بررسی شده، در قسمت بعدی به بررسی رویه محاکم و تحلیل هدف از مجازات مرتکبان جرائم علیه میراث فرهنگی پرداخته خواهد شد.

۴. رویه محاکم بین‌المللی در برخورد با جنایات علیه میراث فرهنگی

هدف اصلی از تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، رسیدگی به جرائمی است که ذاتاً دارای ماهیت جهانی هستند. در این بخش به بررسی رویه محاکم بین‌المللی - اعم از ویژه و دائمی - در برخورد با جرائم علیه میراث فرهنگی پرداخته خواهد شد و در این بین، هدف از مجازات نیز بررسی خواهد گردید.

۱- ۴ محاکم بین‌المللی ویژه

محاکم بین‌المللی ویژه (ad hoc) ابزاری مهم جهت پاسخ به جنایات فجیع بین‌المللی بوده که ماهیتی موقتی داشته و صرفاً بر موارد خاصی تمرکز دارند ((Goldstone, 2018: 2-4). از میان این نوع محاکم، دادگاه نورنبرگ و دادگاه بین‌المللی ویژه برای یوگسلاوی سابق انتخاب شده‌اند؛ چراکه رویه بیشتری در مورد میراث فرهنگی دارند که قابل بررسی است. دادگاه بین‌المللی نظامی نورنبرگ، پس از خاتمه جنگ جهانی دوم جهت رسیدگی به جرایم رهبران آلمان نازی، توسط قوای غالب جنگ تشکیل شد. طبق منشور نورنبرگ،

¹ (Geneva Convention Relative To The Protection Of Civilian Persons In Time Of War, 1949: Art. 53).

جنایات جنگی در صلاحیت این دادگاه قرار گرفت و نقض مقررات مربوط به نحوه برخورد با اموال فرهنگی، جنایت جنگی تلقی شد.^۱ این دادگاه در محاکمه "آلفرد روزنبرگ" به این نتیجه رسید که وی مسئول غارت در قالب یک سیستم سازمان یافته بوده و اموال عمومی و خصوصی شامل کتابخانه‌ها و موزه‌ها، گنجینه‌ها و مجموعه‌های هنری شخصی را مصادره و غارت کرده است. محاکمه وی طبق بند ۶ ماده ۶ اساسنامه انجام شد و دادگاه نظامی نورنبرگ عقیده داشت که این عمل، جنایت علیه بشریت است. در واقع شاید روزنبرگ اولین شخصی بود که به جرم تخریب میراث فرهنگی دادگاهی، و به اعدام محکوم شد (Judgment, 1946: 70-71 Nuremberg). واضح است که هدف از مجازات اعدام در این مورد، جنبه بازدارندگی بوده و به ترمیم میراث تخریب شده توجهی نشده بود.

بعد از دادگاه نورنبرگ، مهمترین دادگاه بین‌المللی که برای رسیدگی به تخریب عمدی میراث فرهنگی و سایر جرائم تشکیل شد، دادگاه بین‌المللی کیفری یوگوسلاوی سابق است. اساسنامه این دادگاه، پس از تصویب قطعنامه ۸۲۷ شورای امنیت در ۲۵ مه ۱۹۹۳ تصویب شد.^۲ این دادگاه، صلاحیت رسیدگی به جرائم نقض قوانین یا رسوم جنگ، کشتار دسته جمعی و جنایات علیه بشریت را داشت (ICTY statute, 1993: Art. 3-5). از نکات مهم این اساسنامه، تعقیب افرادی است که به موجب ماده ۳، مرتکب جرم تخریب اموال دارای اهمیت فرهنگی و تاریخی شده‌اند. این دیوان، جدای از تصمیمات خویش، به تصمیمات اتخاذی از سوی دادگاه نورنبرگ نیز استناد کرده بود و در رویه خود، افرادی که میراث فرهنگی را تخریب کرده بودند، را ذیل عنوان جرم "عمل آزار و اذیت و جنایت علیه بشریت" متهم کرد (Powderly, 2022: 435-437).

در دادرسی‌های مختلفی که در این دادگاه بین‌المللی برگزار شد، تأیید شد که عمل تخریب میراث فرهنگی، اگر با قصد تبعیض باشد، می‌تواند منجر به جنایت علیه بشریت گردد. دادگاه در محاکمه "کوردیک و سرکیز"^۳ حمله تبعیض آمیز علیه اموالی که برای مردم دارای

¹ (Charter of the Nuremberg International Military Tribunal, 1945: Art. 6).

² ICTY statute Adopted 25 May 1993 by Resolution 827 of security council.

³ Ćerkez AND Kordić

ارزش مذهبی بودند را، عمل آزار و اذیت تلقی کرد و اذعان کرد که جرم تخریب اموال فرهنگی می‌تواند معادل جرم جنایت علیه بشریت باشد. دادگاه در این پرونده به دنبال اثبات این امر بود که هویت افراد در تخریب میراث فرهنگی آسیب دیده و کل بشریت، به دلیل نقصان بوجود آمده در فرهنگ یک گروه، متضرر شده است (ICTY, 2001: Para 207). همچنین دادگاه در پرونده "جوکیچ"^۱، با اشاره به مقدمه "کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی ۱۹۷۲" تخریب میراث فرهنگی را به منزله فقر خسارت بار برای تمام ملت‌های جهان تلقی کرده است (ICTY, 2004: Para 49). در پرونده "کرجسینیک"^۲ دادگاه اذعان داشت که تخریب اموال فرهنگی تأثیر شدیدی بر قربانی داشته و عمل انجام شده از عناصر تشکیل دهنده جنایت علیه بشریت است (ICTY, 2006: Para 711). دادگاه در محاکمه "بلاسکیچ"^۳ عنوان کرد، جنایت آزار و اذیت همانطور که در ماده ۵ اساسنامه تعریف شده است، اعمالی مانند هدف قرار دادن اموالی که افراد جامعه به طور خاصی احساس تعلق به آن دارند، را در بر می‌گیرد (بیدقی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۷۳). در پرونده "مارتینوویچ"^۴ به این امر اشاره شد که مردم، در اثر تخریب اماکن مذهبی و بناهای فرهنگی دچار اذیت و آزار شده‌اند (ICTY: 2009: Para 7205). این دادگاه در پرونده "برجانین"^۵ نیز بر این نظر بود که نابودی و تخریب عمدی بناهای فرهنگی و مذهبی متعلق به کروات‌ها و مسلمانان بوسنیایی، به صورتی که بر مبنای تبعیض باشد، جرم علیه بشریت محسوب می‌شود (وکیل و قشقلاقی نیگجه، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

در پرونده‌های دیگر، دادگاه نظر به جنایت جنگی بودن تخریب میراث فرهنگی دارد. چنانچه دادگاه در پرونده "ستروگر" به اتهام جنایت جنگی "تخریب و آسیب عمدی به مؤسسات اختصاص داده شده به مذهب، امور خیریه و آموزش و پرورش، هنر و علوم، بناهای تاریخی و آثار هنری و علمی" رسیدگی کرد و این اعمال را به منزله جنایت جنگی

¹ Jokić

² Krajišnik

³ Blaškić

⁴ Martinović

⁵ Brdanin

تلقی کرد (ICTY, 2005: Para230). این دیدگاه در دادگاه تجدید نظر "هادزی حسنویچ و کوبورا" مورد تأیید قرار گرفت (عسکری و مسعودی کوشک، پیشین: ۱۶۷). لذا در رویکرد این دیوان، تخریب میراث فرهنگی، در قالب دو جنایت کلی جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی، قابلیت تحقق دارد. همچنین لازم به ذکر است مجازات‌های انجام شده با هدف سزادهی و جلوگیری از بی‌کیفرمانی انجام شده و این اعمال، به عنوان اقداماتی علیه اموال متعلق بشریت به طور کل، مجازات نشده‌اند. لذا می‌توان ادعا کرد محاکم تابع رویکرد سنتی بوده‌است. گرچه تلقی میراث فرهنگی به عنوان میاث متعلق به بشریت، امری مهم در جهت تحقق اهداف نوین مجازات این نوع جرائم به شما می‌آید.

۲-۵ دیوان کیفری بین‌المللی

در رویه دیوان کیفری بین‌المللی، پرونده «احمد الفقی المهدی» جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا نخستین بار بود که این دیوان به اتهام جنایت جنگی تخریب عمدی اماکن مذهبی و تاریخی ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی یونسکو رسیدگی و حکم صادر کرد. این اماکن، افزون بر کارکرد مذهبی، واجد ارزش برجسته فرهنگی و تاریخی بوده و از این حیث، مصادیقی از میراث فرهنگی نیز محسوب می‌شدند. لذا به طور تفضیلی‌تر به بررسی این پرونده پرداخته خواهد شد؛ چراکه آخرین تفاسیر مربوط به جنایات علیه میراث فرهنگی را می‌توان از آن استخراج کرد. در ژانویه سال ۲۰۱۲، وقوع منازعه مسلحانه در قلمرو جمهوری مالی^۱ منجر به استیلای گروه‌های مسلح متعدد بر مناطق شمالی آن کشور گردید. متعاقباً، در آوریل ۲۰۱۲، گروه‌های انصار الدین و القاعده، حاکمیت خود را بر شهر تیمبوکتو اعمال و نظام سیاسی و مذهبی مورد نظر خود را از طریق ساختارهای اداری محلی، مشتمل بر دادگاه اسلامی، نیروی پلیس اسلامی، کمیته رسانه‌ای و تشکیلات نظارت بر اخلاق عمومی (موسوم به «حسبه»)، در آن ناحیه مستقر نمودند. در راستای حمایت از جنبش‌های مذکور، المهدی در آوریل ۲۰۱۲ به کشور مالی مراجعت نمود و با رهبران گروه‌های انصار الدین و القاعده ارتباط مستقیم برقرار کرد. به درخواست ابوزید

^۱ Mali

(حاکم شهر تیمبوکتو) از المهدی جهت رهبری تشکیلات حسب، وی تا سپتامبر ۲۰۱۲ عهده‌دار این مسئولیت بود (ICC,2016:Paras31-33).

از تاریخ ۳۰ ژوئن الی ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲، ده مورد از مهم‌ترین اماکن در شهر تیمبوکتو توسط المهدی و افراد تحت سرپرستی او مورد حمله قرار گرفت و نابود شد و باعث شد مالی، وضعیت موجود در قلمرو سرزمینی‌اش را به دیوان ارجاع دهد. شعبه اول پیش دادرسی دیوان در سپتامبر ۲۰۱۵ حکم جلب المهدی را، با اتهام جنایات جنگی حمله عمدی علیه بناها و آرامگاه‌های تاریخی و مذهبی صادر نمود و او توسط مقامات نیجر به دیوان تحویل داده شد. مطابق اتهام ادعایی دادستان، المهدی، براساس مورد ۴ از شق (ه) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه، به دلیل حمله عمدی علیه بناها و آرامگاه‌های مذهبی و تاریخی که اهداف نظامی محسوب نمی‌شدند، مرتکب جنایت جنگی شده و مسئولیت کیفری دارد. این اتهام توسط شعبه پیش دادرسی در مارس ۲۰۱۶ تایید شد و متهم، در آغاز جلسه محاکمه نزد شعبه بدوی به تاریخ ۲۲ اوت ۲۰۱۶ آن را پذیرفت.

در راستای اثبات اتهام مطروحه و انطباق اتهام پذیرفته شده با حقایق پرونده، شعبه بدوی شهادت سه شاهد را استماع و مدارک متعدد ارائه شده توسط دادستان را بررسی کرد و بیان داشت که پذیرش اتهام ادعایی توسط متهم با حقایق پرونده مطابقت داشته و بر اساس اظهارات متهم، او از ماهیت و نتایج پذیرش اتهام، آگاه بوده است (ICC,2016:Para30). المهدی از جمله معدود متهمانی است که اتهامات ادعایی علیه خود را پذیرفته و اظهار ندامت و همدردی با قربانیان کرده است (محمدزاده ۱۴۰۰: ۱).

پرونده المهدی، اولین مواجهه دیوان با اتهام مذکور بود، لذا شعبه بدوی اقدام به تفسیر این جرم و عناصر آن نمود. از نظر شعبه، عنصر «هدایت یک حمله»، شامل هر فعل خشونت آمیز علیه اهداف مورد حمایت، شده و این مورد که فعل مذکور در عملیات خصمانه انجام شده یا بعد از آنکه هدف تحت کنترل گروه مسلح در آمده، تعیین کننده نیست و این موضوع، منعکس کننده وضعیت خاص این اهداف می‌باشد. شعبه بدوی همچنین به رفتار مشابه نسبت به هریک از بناهای مورد تهاجم (از ابزارهای مورد استفاده مشترک گرفته تا نیروهای مسلح) اشاره کرده و اظهار نمود که این رفتارها در چاقوب و در رابطه با مخاصمه مسلحانه داخلی میان نیروهای دولتی مالی و گروه‌های انصارالدین و القاعده انجام شده و

شواهد و مدارک موجود، سازمان‌یافته -بودن این دو گروه را اثبات می‌کنند. در خصوص عنصر شدت مخاصمه مسلحانه داخلی، شعبه بر این باور است این واقعیت که گروه‌های مذکور برای مدت زمان طولانی بر بخش وسیعی از سرزمین کشور مالی اعمال کنترل کردند، منعکس‌کننده درجه کافی از شدت مخاصمه است. لذا عناصر لازم جهت تحقق جرم حمله علیه اهداف مورد حمایت بر اساس مورد ۴ از شق (ه) بند ۲ ماده ۸ تحقق یافته و مسلم است (ICC, 2016: Para52).

در رابطه با روش تعیین مجازات، قضات دیوان به بررسی عواملی مانند شدت جرم و وجود یا فقدان اوضاع و احوال مشدده یا مخففه پرداخته‌اند. شعبه بدوی به تمایز میان این پرونده و پرونده متهمان دیگری که توسط این دیوان محکوم شده‌اند، اشاره می‌کند و المهدی را مرتکب جرائم علیه اموال - نه علیه اشخاص - معرفی می‌کند که از نظر شعبه، جنایات علیه اموال، از شدت کمتری برخوردار هستند. در عین حال یکی از عناصر شدت جنایت انجام شده، میزان خسارت وارده است که این امر از نظر شعبه دور نمانده است. اکثر اماکنی که مورد حمله قرار گرفتند، کاملاً نابود شدند که این امر، نشان از شدت حملات دارد. یکی دیگر از معیارهای مورد توجه شعبه در تعیین میزان مجازات، اثرات حمله بر جمعیت غیرنظامی بود که این امر، به واسطه بازتاب گسترده این حملات در رسانه‌های جمعی، تشدید یافته بود. لازم به ذکر است ساختمان‌های مورد تعرض، صرفاً یک ساختمان مذهبی نبوده و ارزشی نمادین و عاطفی برای اهالی تیمبوکتو داشتند. قابل اشاره است که، تمام اماکنی که هدف حمله قرار گرفتند (به استثنای یک مورد) جزء میراث جهانی ثبت شده در یونسکو بودند که منعکس‌کننده اهمیت ویژه آن‌ها می‌باشد. لذا حمله به آن‌ها، بی‌حرمتی به این ارزش‌ها تلقی شده و به نظر می‌رسد با توجه به اینکه علاوه بر اهالی تیمبوکتو، مردم سراسر کشور مالی و جامعه بین‌المللی از حمله مذکور متاثر شده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که چنین حمله‌ای، شدت ویژه‌ای داشته است. جامعه بین‌المللی با این باور که این میراث فرهنگی، جزء لاینفک حیات فرهنگی محسوب شده و تخریب این اماکن مورد حمایت را به منزله ایراد خسارت و زیان به خود تلقی می‌نماید (ICC, 2016: Paras45-47). به عنوان آخرین مورد، شعبه بدوی این امر را که جرم، با انگیزه‌های مذهبی تبعیض‌آمیز ارتکاب یافته، در تعیین شدت جرم موثر دانست. در نهایت شعبه با بررسی تمام این عناصر، شدت و اهمیت جرم المهدی را قابل اثبات و محرز اعلام کرد.

در عین حال، شعبه به پنج عامل مخففه نیز اشاره کرد که عبارتند از: ۱. قبول اتهام ادعایی توسط المهدی؛ ۲. همکاری او با دادستان؛ ۳. ابراز پشیمانی و همدلی با قربانیان؛ ۴. عدم تمایل ابتدایی جهت ارتکاب جرم و سعی در کاهش خسارت وارده ۵. رفتار خوب در مدت زمان بازداشت. در نهایت، شعبه بدوی، وی را، به عنوان شریک در جنایت جنگی حمله به اهداف مورد حمایت در شهر تیمبوکتو بین ۳۰ ژوئن و ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲، به ۹ سال زندان محکوم نمود. شعبه همچنین در ۱۷ اوت ۲۰۱۷ دستور جبران خسارتی به میزان ۲.۷ میلیون یورو علیه المهدی صادر نمود که به دلیل عدم تمکن مالی وی، صندوق امانی قربانیان را برای جبران خسارت مزبور تشویق نمود. البته صندوق هم متعاقباً خواستار تجدید نظر نسبت به دستور مذکور شد. اما شعبه تجدیدنظر در مارس ۲۰۱۸ تصمیم شعبه بدوی را تایید نمود (ICC, 2018: Paras 97-99).

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، دیوان در این پرونده، تحت تاثیر هر دو رویکرد سنتی و نوین بوده و علاوه بر تحقق اهدافی مانند مبارزه با بی‌کیفرمانی و سزادهی، ترمیم خسارات وارده به میراث فرهنگی و جبران آلام روحی جامعه بین‌المللی، به عنوان بزه‌دیده، نشان از تبعیت دیوان از رویکرد نوین دارد. این پرونده رویه ساز، نشان از این امر دارد که میراث فرهنگی، برای کل بشریت دارای اهمیت بوده و هرگونه آسیب به آن‌ها، جامعه بشری را متضرر خواهد کرد. البته با وجود اهمیت این دستاورد، محدود شدن طبقه‌بندی جرم به «جنایت جنگی» باعث شد ظرفیت‌های گسترده‌تر جرم‌انگاری، به ویژه در قالب «جنایت علیه بشریت»، نادیده بماند. همانطور که اشاره شد، در رویکرد نوین، هدف از جرم‌انگاری این‌گونه اعمال، صرفاً سزادهی و بازدارندگی نیست، بلکه باید دربرگیرنده اهداف ترمیمی، جبرانی و پاسداشت هویت فرهنگی مشترک بشریت نیز باشد. تحلیل این پرونده نشان می‌دهد که چارچوب فعلی حقوق بین‌الملل کیفری فاقد جرم‌انگاری «جنایت علیه میراث فرهنگی» ذیل جنایت علیه بشریت بوده و این خلأ، مانع بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های عدالت کیفری بین‌المللی در این حوزه می‌شود. بر این اساس، شناسایی و الحاق این عنوان مجرمانه در اساسنامه رم، ذیل ماده ۷ پیشنهاد می‌گردد تا امکان تعقیب و مجازات مرتکبان در هر دو وضعیت صلح و مخاصمات مسلحانه فراهم شود و ابعاد ترمیمی و جبرانی نیز

جایگاه پررنگ‌تری در فرآیند دادرسی بیابد (Thake, 2018: 22-24). همچنین لازم است مکانیسم‌هایی جبرانی، از جمله ایجاد «صندوق بین‌المللی ترمیم میراث فرهنگی» ذیل نظارت دیوان تقویت گردند و الزام دولت‌ها به مشارکت فعال در مرمت و بازسازی اماکن تخریب‌شده افزایش یابد. چنین اصلاحاتی می‌تواند هدف از جرم‌انگاری را از یک پاسخ صرفاً کیفری به پاسخی جامع، پیشگیرانه و ترمیمی ارتقاء داده و جایگاه میراث فرهنگی را به‌عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت تثبیت کند.

نتیجه‌گیری

جنایت علیه میراث فرهنگی، به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدات علیه میراث مشترک بشریت، همواره دغدغه جامعه بین‌المللی بوده است. این جنایات، شامل تخریب عمدی، غارت و قاچاق آثار و اموال فرهنگی بوده و نه تنها به هویت، تاریخ و حافظه جمعی ملت‌ها آسیب می‌زند، بلکه بنیان‌های فرهنگی و معنوی بشریت را تهدید می‌کنند. در طول تاریخ، از ویرانی آثار باستانی به دست گروه‌های تروریستی تا غارت موزه‌ها در جنگ‌ها، این اقدامات لکه‌های سیاهی بر پیشانی وجدان جهانی باقی گذاشته‌اند. با توسعه حقوق بین‌الملل، اسناد مهمی همچون کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، چارچوبی جهت حمایت از میراث فرهنگی فراهم کرده‌اند. رویه محاکم بین‌المللی، مانند نورنبرگ، دادگاه بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین‌المللی کیفری برای رواندا، و به ویژه پرونده المهدی در دیوان کیفری بین‌المللی، نشان‌دهنده افزایش توجه به این جرایم است. با این حال، چالش‌هایی همچون عدم شناسایی جرم «جنایت علیه میراث فرهنگی» ذیل جنایت علیه بشریت و محدود شدن تعقیب به قالب «جنایت جنگی» مانع بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های عدالت کیفری بین‌المللی شده است. یافته‌های این پژوهش آشکار ساخت که محاکم بین‌المللی تاکنون بیشتر در چارچوب اهداف سنتی سزادهی و بازدارندگی عمل کرده‌اند، هرچند در مواردی مانند پرونده المهدی، رویکردهای ترمیمی و جبرانی نیز به کار رفته است. به منظور ارتقای حمایت کیفری در سطح بین‌المللی، ضروری است «جنایت علیه میراث فرهنگی» به عنوان جرمی ذیل ماده ۷ در اساسنامه رم پیش‌بینی شود تا امکان تعقیب مرتکبان، نه تنها در مخاصمات مسلحانه، بلکه در زمان صلح نیز فراهم گردد. افزون بر این، باید جایگاه اهداف ترمیمی و جبرانی در فرآیند تعیین مجازات تقویت شود و سازوکارهای مؤثر جبران خسارت در عرصه بین‌المللی، از جمله ایجاد «صندوق بین‌المللی بازسازی و ترمیم میراث فرهنگی» ذیل نظارت دیوان کیفری بین‌المللی، طراحی و نهادینه گردد. چنین اصلاحاتی می‌تواند اهداف جرم‌انگاری را از قالب محدود واکنش کیفری صرف، به یک رویکرد جامع و چندبعدی ارتقاء دهد؛ رویکردی که ضمن پیشگیری از تکرار جنایات، بر بازسازی خسارات وارده، احیای میراث تخریب‌شده و حفظ پیوند فرهنگی جوامع انسانی تمرکز دارد.

فهرست منابع

فارسی

۱. شریعت باقری، محمدجواد (۱۴۰۲). حقوق کیفری بین‌المللی. تهران: گنج دانش.
۲. بیدقی، باقر، بلوری، پیمان و ذوالقدر، مالک. (۱۴۰۲). رویه محاکم بین‌المللی کیفری در برقراری ارتباط با میراث فرهنگی از منظر حقوق بشر. تعالی حقوق بشر. ۹(۲): ۱۴۷-۱۸۵.
۳. بیگی، جمال و تیموری، مهرداد. (۱۴۰۰). نگاهی بر نسل‌زدایی فرهنگی به مثابه جنایت بین‌المللی. مطالعات بین‌المللی پلیس ۱۲ (۴۷): ۱۲۹-۱۵۹.
۴. جعفری، فریدون. (۱۳۹۲). ارزیابی چالش‌های نظری و فلسفی دیوان کیفری بین‌المللی. مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی ۱۱ (۴).
۵. حسینی، سجاد و رضوی فرد، بهزاد. (۱۴۰۳). پیشگیری‌کنشی از جرم تخریب آثار تاریخی و فرهنگی با رویکرد علت‌شناسی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۱(۱)، ۶۶-۱۰۱.
۶. خالقی، علی و برزگر، محمدرضا. (۱۳۹۹). خشونت جنسی علیه زنان ایزدی به مثابه نسل‌زدایی با تأکید بر رأی دادگاه بین‌المللی رواندا در پرونده آکایسو. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۸(۱۶): ۷-۳۱.
۷. داووری گرمارودی، هما، حیدرپور، حمیدرضا و مهرآرا، ژیللا. (۱۴۰۳). کارکرد اصل مراقبت مقتضی در راستای مقابله با بی‌کیفرمانی سران رژیم اسرائیل در حقوق بین‌الملل کیفری. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۱(۱): ۱۳۷-۱۶۶.
۸. زمانی، سید قاسم و صادقی، مهدی رضا. (۱۳۹۹). رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اهداف مجازات. پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی ۸(۱۶): ۷۹-۱۱۲.
۹. عسکری، پوریا و مسعودی کوشک، حمید. (۱۳۹۷). تخریب میراث فرهنگی سوریه توسط داعش و راهکارهای مقابله با آن در حقوق بین‌الملل. مجله حقوقی بین‌المللی ۳۵ (۵۸): ۱۵۳-۱۸۴.
۱۰. غنی، کیوان و فروغی، فضل‌الله. (۱۳۹۴). جنایات جنگی علیه میراث فرهنگی در مخاصمه مسلحانه سوریه. مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی ۲ (۴-۵): ۳۳۳-۳۵۵.

۱۱. غنی، کیوان و فروغی، فضل‌الله. (۱۴۰۱). اهداف و عوامل موثر در کیفردهی مرتکبان جنایت علیه میراث فرهنگی در پرتو پرونده المهدی و رویه دیوان کیفری بین‌المللی. آموزه‌های حقوق کیفری ۱۹ (۲۴): ۲۶۱-۲۹۴.
۱۲. غنی، کیوان، فروغی، فضل‌الله و صادقی، محمد هادی. (۱۳۹۹). پیامدهای ثبت میراث فرهنگی در فهرست میراث جهانی یونسکو بر اعمال حاکمیت و مسئولیت دولت‌ها. فصلنامه مطالعات راهبردی ۳۲ (۲): ۱۸۱-۲۱۲.
۱۳. لسانی، سید حسام‌الدین. (۱۳۹۴). حمایت حقوق بین‌الملل از میراث فرهنگی و تاریخی در زمان اشغال نظامی با تأکید بر مسؤلیت ایالات متحده آمریکا در دوران اشغال نظامی عراق. مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز ۷ (۳): ۱۴۱-۱۶۶.
۱۴. وکیل، امیر ساعد و قشقلاقی نیگجه، افشین. (۱۴۰۰). حمایت از میراث فرهنگی جهانی در رویه دیوان بین‌المللی کیفری. فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی ۲۴ (۹۴): ۱۱۹-۱۳۹.
۱۵. حیدری، فروغ (۱۴۰۰) حمایت از میراث فرهنگی غیرمنقول از منظر حقوق عمومی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و انگلیس. رساله دکتری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۶. رضوی راد، محمد. (۱۳۹۶). چالش‌های فراروی نظام حقوقی بین‌المللی در خصوص حفاظت از میراث فرهنگی زیر آب. رساله دکتری، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۷. سعیدی، محمد (۱۳۹۵) صیانت از میراث فرهنگی ناملموس در حقوق بین‌الملل. رساله دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.

انگلیسی

18. Francioni, F., & Lenzerin, F. (2024). Commentary Of The 1972 World Heritage Convention (3rd ed.). Oxford University Press.
19. Lixinski, L. (2013). Intangible Cultural Heritage in International Law. Oxford University Press.

20. Vadi, V. (2023). *Cultural Heritage in International Economic Law*. Brill | Nijhoff.
21. Vrdoljak, A. F. (2016). The Criminalisation of the Intentional Destruction of Cultural Heritage. In M. Orlando & T. Bergin (Eds.), *Forging a Socio-Legal Approach to Environmental Harm: Global Perspectives* (pp. 430-447). Routledge.
22. Xanthaki, A. (2017). International Instruments on Cultural Heritage: Tales of Fragmentation. In *Indigenous Peoples' Cultural Heritage: Rights, Debates, Challenges*. Brill | Nijhoff.
23. Al-Ansi, A., Lee, J.-S., King, B., & Han, H. (2021). Stolen history: Community concern towards looting of cultural heritage and its tourism implications. *Tourism Management* 87.
24. Anglin, R. (2008). The world heritage list: Bridging the Cultural Property Nationalism-Internationalism Divide. *Yale Journal of Law & The Humanities* 20 (2): 241-275.
25. Barrè re, C. (2016). Cultural heritages: From official to informal. *City, Culture and Society* 7 (2): 87-94.
26. Blake, J. (2000). On Defining The Cultural Heritage. *International And Comparative Law Quarterly* 49 (1): 61-85.
27. De Laiglesia González, J. F. (2020). Tangible Culture: Twelve Symbolic Objects. *International Research Journal Of Furniture And Decorative Objects* 9 (11): 46-64.
28. Francioni, F., & Lazzarini, F. (2003). The Destruction of the Buddhas of Bamiyan and International Law. *European Journal of International Law* 14 (4), 619-651.
29. Gerstenblith, P. (2016). The Destruction of Cultural Heritage: A Crime Against Property or a Crime Against People? *UIC Review of Intellectual Property Law* 15 (33), 335-393.

30. Goldstone, R. (2018). International Criminal Court and Ad Hoc Tribunals. In T. G. Weiss & S. Daws (Eds.), *The Oxford Handbook on the United Nations* (2nd ed.). Oxford University Press:567-583.
31. Hausler ,Kristin, "Cultural heritage and the Security Council: Why Resolution 2347 matters", question of international law, <https://www.qil-qdi.org/cultural-heritage-security-council-resolution-2347-matters/> 2018.last visited at 12 April 2025.
32. Hermann, D. H. J. (2017). Restorative Justice and Retributive Justice: An Opportunity for Cooperation or an Occasion for Conflict in the Search for Justice. *Seattle Journal for Social Justice* 16 (1) :71-103.
33. Merryman, J. (1986). Two Ways Of Thinking About Cultural Property. *The American Journal Of International Law* 80 (4), 831-853.
34. Moffett, L., Viejo Rose, D., & Hickey, R. (2020). Shifting the paradigm on cultural property and heritage in international law and armed conflict: time to talk about reparations? *International Journal of Heritage Studies* 26 (7), 651-667.
35. Nersessian, D. (2018). The Current Status of Cultural Genocide Under International Law. *SSRN Electronic Journal*.
36. Powderly, J. (2022). Prosecuting Heritage Destruction. In J. Cuno & T. G. Weiss (Eds.), *Cultural Heritage and Mass Atrocities* (pp. 430-447). Getty Publications.
37. Prott, L. V., & O'Keefe, P. J. (1992). "Cultural Heritage" or "Cultural Property"? *International Journal of Cultural Property* 1 (2), 307-320.
38. Randđelović, V., Soković, S., & Banović, B. (2023). International Criminal Law And International Criminal Justice Objectives And Purpose Of Punishment In International Criminal Law Theory And Practice. *Journal Of Criminology And Criminal Law* 61 (1), 67-91.

39. RYŠKA, I. (2020). Types of cultural property and their protection under International Criminal Law. *International and Comparative Law Review* 20 (1), 220-236.
40. Thake, A. M. (2018, April 15). The intentional destruction of cultural heritage as a genocidal act and a crime against humanity. *European Society of International Law (ESIL) 2017 Annual Conference (Naples)*. SSRN.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.3163108>
41. Yahaya, A. (2006). The Scope And Definitions Of Heritage : From Tangible To Intangible. *International Journal Of Heritage Studies* 12 (3), 292-300.
- Judicial decisions
42. International Military Tribunal (Nuremberg). (1946). Judgment Of 1 October 1946. In *The Trial of German Major War Criminals*.
43. ICTY. (2001). Prosecutor V. Čerkez And Kordić (Case No. IT-95-14/2-T). Trial Chamber, Judgment, 26 February 2001.
44. ICTY. (2004). Prosecutor V. Jokić (Case No. IT-01-42/1-S). Trial Chamber I, Judgment, 18 March 2004.
45. ICTY. (2006). Prosecutor V. Krajišnik (Case No. IT-00-39-T). Trial Chamber I, Judgment, 27 September 2006.
46. ICTY. (2016). Prosecutor V. Radovan Karadzic (Case No- IT-95-5/18-T). Trial Chamber, Judgment, Ch, March 2016.
47. ICTY. (2009). Prosecutor V. Martinović (Case No. IT-05-87-T). Trial Chamber, Judgment, 26 February 2009.
48. ICTY. (2005). Prosecutor v. Pavle Strugar (Case No. IT-01-42-T). Trial Chamber II, Judgment, 31 January 2005.
49. ICC. (2016). Situation in the Central African Republic in the Case of the Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05-01/08). Decision on Sentence pursuant to Article 76 of the Statute, 21 June 2016.

50. ICC. (2016). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Public Redacted Version of "Prosecution's Submissions on Sentencing", 22 July 2016.
51. ICC. (2016). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Judgment and Sentence, 27 September 2016.
52. ICC. (2018). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Judgm on the appeal of the victims against the Reparations Orde, 8 March 2018.
53. Charter of the Nuremburg International Military Tribunal. (1945, August 8).
54. Geneva Convention Relative To The Protection Of Civilian Persons In Time Of War. (1949, August).
55. Hague Convention For The Protection Of Cultural Property In The Event Of Armed Conflict. (1954, May 14).
56. ICTY statute. (1993, May 25).
57. Rome Statute of the International Criminal Court. (1998, July 17).
58. The Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. (2003, October 17).
59. UNESCO Convention Concerning The Protection Of The World Cultural And Natural Heritage. (1972, November 16).
60. UNESCO Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention. (2024, September 24). Retrieved from <https://whc.unesco.org/document/1145>
61. Press Release GA/9858. (2001). General Assembly Tenth Emergency Special Session, 10th plenary meeting. Retrieved from <https://press.un.org/en/2001/ga9858.doc.htm>
62. <https://www.legal-tools.org/doc/7d8622/pdf/>
63. <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n01/280/46/pdf/n0128046.pdf>

References

1. Al-Ansi, A., Lee, J.-S., King, B., & Han, H. (2021). Stolen history: Community concern towards looting of cultural heritage and its tourism implications. *Tourism Management* 87.
2. Anglin, R. (2008). The world heritage list: Bridging the Cultural Property Nationalism-Internationalism Divide. *Yale Journal of Law & The Humanities* 20 (2): 241-275.
3. Asgari, P., & Masoudi Koushk, H. (2018). Destruction of Syrian cultural heritage by ISIS and strategies to confront it in international law. *International Law Journal* 35 (58), 153-184. (In Persian)
4. Barrère, C. (2016). Cultural heritages: From official to informal. *City, Culture and Society* 7 (2): 87-94.
5. Beidaghi, B., Bolouri, P., & Zolghadr, M. (2023). Jurisprudence of international criminal courts in relation to cultural heritage from a human rights perspective. *Taali-e Hoquq* 9 (2), 147-185. (In Persian)
6. Beigi, J., & Teimouri, M. (2021). A look at cultural genocide as an international crime. *Police International Studies* 12 (47), 129-159. (In Persian)
7. Blake, J. (2000). On Defining The Cultural Heritage. *International And Comparative Law Quarterly* 49 (1): 61-85.
8. Charter of the Nuremburg International Military Tribunal. (1945, August 8).
9. Davoodi Garmaroodi, H. , Heydarpour, H. and Mehrara, Z. (2024). The Function of the Due Diligence Principle in Addressing the Impunity of Israeli Regime Leaders under International Criminal Law. *Research and development in criminal law and criminology*, 1 (1), 137-166 . (In Persian)
10. De Laiglesia González, J. F. (2020). Tangible Culture: Twelve Symbolic Objects. *International Research Journal Of Furniture And Decorative Objects* 9 (11): 46-64.

11. Francioni, F., & Lazzarini, F. (2003). The Destruction of the Buddhas of Bamiyan and International Law. *European Journal of International Law* 14 (4), 619-651.
12. Francioni, F., & Lenzerin, F. (2024). *Commentary Of The 1972 World Heritage Convention* (3rd ed.). Oxford University Press.
13. Geneva Convention Relative To The Protection Of Civilian Persons In Time Of War. (1949, August).
14. Gerstenblith, P. (2016). The Destruction of Cultural Heritage : A Crime Against Property or a Crime Against People? *UIC Review of Intellectual Property Law* 15 (33), 335-393.
15. Ghani, K., & Foroughi, F. (2015). War crimes against cultural heritage in the Syrian armed conflict. *Criminal Law and Criminology Studies* 2 (4-5), 333-355. (In Persian)
16. Ghani, K., & Foroughi, F. (2022). Goals and factors influencing the punishment of perpetrators of crimes against cultural heritage in light of the Al Mahdi case and the jurisprudence of the International Criminal Court. *Criminal Law Teachings* 19 (24), 261-294. (In Persian)
17. Ghani, K., Foroughi, F., & Sadeghi, M. H. (2020). Consequences of registering cultural heritage in the UNESCO World Heritage List on sovereignty and state responsibility. *Strategic Studies Quarterly* 32 (2), 181-212. (In Persian)
18. Goldstone, R. (2018). International Criminal Court and Ad Hoc Tribunals. In T. G. Weiss & S. Daws (Eds.), *The Oxford Handbook on the United Nations* (2nd ed.). Oxford University Press :567-583.
19. Hague Convention For The Protection Of Cultural Property In The Event Of Armed Conflict. (1954, May 14).
20. Hausler ,Kristin, "Cultural heritage and the Security Council: Why Resolution 2347 matters", question of international law, <https://www.qil-qdi.org/cultural-heritage-security-council-resolution-2347-matters/> 2018.last visited at 12 April 2025.

21. Heidari, F. (2021). Protection of immovable cultural heritage from the perspective of public law: A comparative study of Iranian and English law (Doctoral dissertation). Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
22. Hermann, D. H. J. (2017). Restorative Justice and Retributive Justice : An Opportunity for Cooperation or an Occasion for Conflict in the Search for Justice. *Seattle Journal for Social Justice* 16 (1) :71-103.
23. Hosini, S. and Razavifard, B. (2024). Proactive Prevention of the Crime of Destruction of Historical and Cultural Monuments : An Etiological Approach. *Research and development in criminal law and criminology* 1 (1), 66-101. (In Persian)
24. <https://documents.un.org/doc/undoc/gen/n01/280/46/pdf/n0128046.pdf>
25. <https://www.legal-tools.org/doc/7d8622/pdf/>
26. ICC. (2016). Situation in the Central African Republic in the Case of the Prosecutor v. Jean-Pierre Bemba Gombo (ICC-01/05-01/08). Decision on Sentence pursuant to Article 76 of the Statute, 21 June 2016.
27. ICC. (2016). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Public Redacted Version of "Prosecution's Submissions on Sentencing", 22 July 2016.
28. ICC. (2016). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Judgment and Sentence, 27 September 2016.
29. ICC. (2018). Situation in the Republic of Mali in the Case of the Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi (Case No. ICC-01/12-01/15). Judgment on the appeal of the victims against the Reparations Order, 8 March 2018.
30. ICTY statute. (1993, May 25).
31. ICTY. (2001). Prosecutor V. Čerkez And KordiĆ (Case No. IT-95-14/2-T). Trial Chamber, Judgment, 26 February 2001.

32. ICTY. (2004). Prosecutor V. Jokić (Case No. IT-01-42/1-S). Trial Chamber I, Judgment, 18 March 2004.
33. ICTY. (2005). Prosecutor v. Pavle Strugar (Case No. IT-01-42-T). Trial Chamber II, Judgment, 31 January 2005.
34. ICTY. (2006). Prosecutor V. Krajišnik (Case No. IT-00-39-T). Trial Chamber I, Judgment, 27 September 2006.
35. ICTY. (2009). Prosecutor V. Martinović (Case No. IT-05-87-T). Trial Chamber, Judgment, 26 February 2009.
36. ICTY. (2016). Prosecutor V. Radovan Karadzic (Case No- IT-95-5/18-T). Trial Chamber, Judgment, Ch, March 2016.
37. International Military Tribunal (Nuremberg). (1946). Judgment Of 1 October 1946. In The Trial of German Major War Criminals.
38. Jafari, F. (2013). Evaluation of theoretical and philosophical challenges of the International Criminal Court. Strategic Studies of Public Policy 11 (4). (In Persian)
39. Khalighi, A., & Barzegar, M. R. (2020). Sexual violence against Yazidi women as genocide with emphasis on the judgment of the International Criminal Tribunal for Rwanda in the Akayesu case. Criminal Law and Criminology Research 8 (16), 7-31. (In Persian)
40. Lesani, S. H. (2015). International law protection of cultural and historical heritage during military occupation with emphasis on the responsibility of the United States during the occupation of Iraq. Shiraz University Legal Studies 7 (3), 141-166. (In Persian)
41. Lixinski, L. (2013). Intangible Cultural Heritage in International Law. Oxford University Press.
42. Merryman, J. (1986). Two Ways Of Thinking About Cultural Property. The American Journal Of International Law 80 (4), 831-853.

43. Moffett, L., Viejo Rose, D., & Hickey, R. (2020). Shifting the paradigm on cultural property and heritage in international law and armed conflict: time to talk about reparations? *International Journal of Heritage Studies* 26 (7), 651-667.
44. Mohammadzadeh, S. (2021, March 25). The case of Ahmad Al-Faqi Al Mahdi : The first trial of the International Criminal Court concerning war crimes against cultural property. *Iran Academy of United Nations Studies*. Retrieved July 1, 2025, from
45. Nersessian, D. (2018). The Current Status of Cultural Genocide Under International Law. *SSRN Electronic Journal*.
46. Powderly, J. (2022). Prosecuting Heritage Destruction. In J. Cuno & T. G. Weiss (Eds.), *Cultural Heritage and Mass Atrocities* (pp. 430-447). Getty Publications.
47. Press Release GA/9858. (2001). General Assembly Tenth Emergency Special Session, 10th plenary meeting. Retrieved from <https://press.un.org/en/2001/ga9858.doc.htm>
48. Prott, L. V., & O'Keefe, P. J. (1992). "Cultural Heritage" or "Cultural Property"? *International Journal of Cultural Property* 1 (2), 307-320.
49. Randelović, V., Soković, S., & Banović, B. (2023). International Criminal Law And International Criminal Justice Objectives And Purpose Of Punishment In International Criminal Law Theory And Practice. *Journal Of Criminology And Criminal Law* 61 (1), 67-91.
50. Razavi Rad, M. (2017). Challenges facing the international legal system in protecting underwater cultural heritage (Doctoral dissertation). Islamic Azad University, Science and Research Branch. (In Persian)
51. Rome Statute of the International Criminal Court. (1998, July 17).
52. RYŠKA, I. (2020). Types of cultural property and their protection under International Criminal Law. *International and Comparative Law Review*, 0 (1), 220-236.
53. Saeedi, M. (2016). Safeguarding intangible cultural heritage in international law (Doctoral dissertation). University of Tehran, Faculty of Law. (In Persian)

54. Shariat Bagheri, M. J. (2023). International criminal law. Tehran: Ganj Danesh. (In Persian)
55. Thake, A. M. (2018, April 15). The intentional destruction of cultural heritage as a genocidal act and a crime against humanity. European Society of International Law (ESIL) 2017 Annual Conference (Naples). SSRN.
<https://doi.org/10.2139/ssrn.3163108>
56. The Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. (2003, October 17).
57. UNESCO Convention Concerning The Protection Of The World Cultural And Natural Heritage. (1972, November 16).
58. UNESCO Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention. (2024, September 24). Retrieved from <https://whc.unesco.org/document/1145>
59. Vadi, V. (2023). Cultural Heritage in International Economic Law. Brill | Nijhoff.
60. Vakil, A. S., & Ghashghlaqi Nigjeh, A. (2021). Protection of world cultural heritage in the jurisprudence of the International Criminal Court. Judicial Law Perspectives Quarterly 24 (94), 119-139. (In Persian)
61. Vrdoljak, A. F. (2016). The Criminalisation of the Intentional Destruction of Cultural Heritage. In M. Orlando & T. Bergin (Eds.), Forging a Socio-Legal Approach to Environmental Harm: Global Perspectives (pp. 430-447). Routledge.
62. Xanthaki, A. (2017). International Instruments on Cultural Heritage: Tales of Fragmentation. In Indigenous Peoples' Cultural Heritage: Rights, Debates, Challenges. Brill | Nijhoff.

63. Yahaya, A. (2006). The Scope And Definitions Of Heritage: From Tangible To Intangible. *International Journal Of Heritage Studies* 12 (3), 292-300.
64. Zamani, S. G., & Sadeghi, M. R. (2020). The International Criminal Court's approach to sentencing objectives. *Criminal Law and Criminology Research* 8 (16), 79-112. (In Persian)